

## دو) تزین مردها به طلا و ابریشم:

در عبارات فقهاء تحریم تزین مردها به طلا و ابریشم بسیار بکار رفته است.<sup>۱</sup>

برخی از فقها هم عنوان «لبس حریر» را تحریم کرده‌اند.<sup>۲</sup>

مرحوم خوئی به همین جهت، تحریم را مختص به لبس طلا و ابریشم و نه تزین به آنها دانسته است.

«اتفق فقہائنا و فقہاء العامۃ و استفاضت الاخبار و من طرقنا و من طرق السنة علی حرمة لبس الرجل

الحریر و الذهب إلا فی موارد خاصة، و لكن الأخبار خالية عن حرمة تزین الرجل بهما، فعقد المسألة بهذا

العنوان كما صنعه المصنف (ره) فيه مسامحة واضحة، نعم ورد فی بعض الأحادیث: (لا تختم بالذهب فإنه

زینتک فی الآخرة) و فی بعضها الآخر: (جعل الله الذهب فی الدنيا زینة النساء فحرم علی الرجال لبسه و

الصلاة فيه). و لكن مضافا الى ضعف السند فیهما، أنهما لا تدلان علی حرمة تزین الرجل بالذهب حتی يشمل

النهی غیر صورة اللبس أيضا، بل تفریعه «ع» فی الروایة الثانية حرمة لبس الذهب علی كونه زینة النساء فی

الدنيا لا یخلو عن الاشعار بجواز تزین الرجل بالذهب ما لم یصدق علیه عنوان اللبس.

و قد یقال: إن عنوان التزین بالذهب و الفضة و إن لم یذكر فی الاخبار، إلا أن لبس الحریر و الذهب یلزم

التزین بهما، فالنهی عن لبسهما یلزم النهی عن التزین بهما.

و فيه أنها دعوی جزافية، لمنع الملازمة، بل بین العنوانین عموم من وجه. فان التزین قد یصدق حیث لا

یصدق اللبس، كما إذا جعلت أزرار الثوب من الذهب، أو من الحریر، و كما إذا خیط بهما الثوب، كما

تتعارف خیطة القراء بالحریر و الدیاج، و كما إذا صاغ الإنسان أسنانه من الذهب، و قد یصدق اللبس و لا

یصدق التزین، کلیس الحریر و الذهب تحت سائر الألبسة، و تختم الرجل بالذهب للتجربة و الامتحان، و قد

یجتمع العنوانان، و تفصیل الکلام فی البحث عن لباس المصلی فی کتاب الصلاة.

و من هنا ظهر أنه لا وجه لما ذهب إليه فی العروة فی المسألة ۲۲ من مسائل الباس المصلی قال: (نعم إذا

كان زنجیر الساعة من الذهب و علقه علی رقبتة أو وضعه فی جیبه لكن علق رأس الزنجیر یحرم لانه تزین

بالذهب و لا تصلح الصلاة فيه أيضا).<sup>۳</sup>

توضیح:

۱. در روایات آنچه منهی عنه واقع شده است، لبس حریر و ذهب است و نه تزین به آنها.

۱. المقنعه مفید، ص ۵۹۰. نه‌ایه طوسی، ص ۳۶۵. مسالك، ج ۳، ص ۱۳۰. مختصر النافع، ص ۱۱۷

۲. شرایع، ص ۵۴.

۳. مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج ۱، ص ۲۰۶.





۲. البته در دو روایت از تعبیر زینت استفاده شده است ولی:

۳. اولاً: سندشان ضعیف است. ثانیاً: دلالت بر حرمت تزئین به ذهب ندارد. ثالثاً: در روایت دوم حرمت لبس ذهب را به جهت آن دانسته است که طلا زینت زنان در دنیا می‌باشد و همین اشعار دارد بر اینکه اگر طلا زینت بود ولی لبس نبود حرام نیست.

۴. [ما می‌گوئیم: اگر روایت دوم را پذیرفتیم و پذیرفتیم که علت تحریم لبس ذهب در مردان، آن است که طلا انحصاراً زینت زنان در دنیا است، پس باید بگوئیم علت اقتضا می‌کند که طلا زینت برای غیر زنان نباشد، پس لاجرم تزئین مردان به آن حرام است ولی اگر گفتیم دلیل نمی‌گوید که طلا انحصاراً برای زنان است در این صورت نمی‌تواند علت تحریم، لبس ذهب در مردان باشد.]

۵. ان قلت: تزئین ملازم با لبس است.

۶. قلت: چنین نیست که بین این دو عنوان عموم من وجه است.

برخی از بزرگان بر مرحوم خوئی اشکال کرده‌اند:

«أن الغالب فی لبس الحریر و الذهب قصد التزیین بهما بحیث یوجد بین العنوانین ملازمة عرفیة. و کتب أصحابنا الإمامیة - حتی ما أعدّ منها لنقل خصوص المسائل المأثورة - ملاء من ذکر عنوان التزیین كما مرّ. و فی الأخبار الواردة فی الباب أيضا إشعار بذلك، و مناسبة الحكم و الموضوع أيضا تشعر بكون الملاك ذلك فیشكل الإغماض عنه.

و يمكن أن یقال: إنَّ عنوان التزیین لیس من العناوین القصدیة المتقومة بالقصد، إذ یصدق التزیین علی مثل لبس الحریر و الذهب و تعلیقهما و التختم بالذهب و شدّ الأسنان به مثلا و إن لم یقصد عنوان التزیین، فتدبّر. و لو فرض كون المحرّم عنوان اللبس كما فی المصباح فالظاهر انصرافه عما إذا وقع موقتا للتجربة و الامتحان مثلا.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. بین دو عنوان عرفاً ملازمه است.

۲. به همین جهت عناوین به کارگرفته شده توسط فقها تزئین بوده است.

۳. در روایات هم مواردی هست که مشعر به این مطلب است.

۱. دراسات فی مکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۴۹۷.

۴. مناسبت حکم و موضوع هم اقتضا می‌کند که ملاک، تحریم تزیین باشد.
۵. پس ملاک تحریم، تزیین است و تزیین هم از عناوین قصديه نیست و لذا اگر هم فرد قصد تزیین نداشته باشد ولی بر پوشیدن حریر و ذهب، تزیین صدق می‌کند.
۶. ولی اگر جایی برای امتحان یا بصورت موقتی پوشیده شود، ادله از آن صورت منصرف است.

